



علی مصطفوی نانی
پژوهشگر هسته عدالت پژوهی مرکز رشد
دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه امام صادق علیه السلام

سرمایه‌ی نابرابری

حکمرانی سرمایه در اقتصاد مدرن باعث شده مولدیت دیگر عناصر تولید از بین رفته و عایدی حاصل از تولید تنها در دستان سرمایه‌داران تجمیع شود.

از ۵۰ درصد پایین جامعه از عایدی سرمایه، درآمد کسب می‌کنند.

در سال ۲۰۱۲ در آمریکا یک درصد بالای مالیات‌دهندگان حدود ۷۱ درصد از عایدی سرمایه و سود سپرده را دریافت کرده‌اند. همچنین پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۳۵ در آمریکا سهم یک درصد بالای درآمدی از عایدی سرمایه و سود سپرده به ۸۹ درصد برسد.

نتایج تحقیقات کنگره آمریکا در مورد عوامل افزایش نابرابری درآمدی در بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ نشان می‌دهد که از بین درآمد کارگران (حقوق و دستمزد)، درآمد سرمایه (عایدی سرمایه، سود سپرده و سهام و درآمد تجاری) و سیاست‌های مالیاتی دولت، عایدی سرمایه و سود سپرده بیشترین سهم را در درآمد (به خصوص در بین ثروتمندان) و مهم‌ترین عامل توزیع نابرابر درآمد (به خصوص در بین دهک‌های بالای درآمدی) بوده است. آمار دقیق این توزیع عایدی سرمایه را در جدول زیر می‌توان مشاهده کرد. به نحوی که عایدی سرمایه و سود سهام بیشترین اثر را بر افزایش نابرابری‌ها داشته و در کنار آن دستمزدها نیز بیشترین اثر را بر کاهش نابرابری اقتصادی داشته‌اند.

معمولاً سهام، اوراق قرضه، فلزات گران بها (طلا، نقره و...)، حساب‌های سرمایه‌گذاری بانکی، املاک و مستغلات به‌عنوان اشکال سرمایه و دارایی بیان می‌گردند. همچنین عایدی سرمایه [۱]، سودی است که سرمایه‌گذاران (حقیقی و حقوقی) موقع فروش دارایی‌های سرمایه‌ای در قیمت بالاتر از قیمت خرید، به دست می‌آورند. به زبان ساده عایدی سرمایه به سود حاصل از سرمایه اطلاق می‌شود. سود حاصل از سرمایه به نوعی عبارت است از تفاوت قیمت فروش یک دارایی نسبت به قیمت خرید آن.

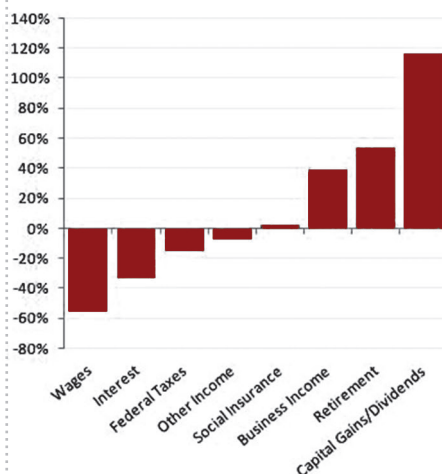
بازارهای مالی به شکلی طراحی شده است که سهم عایدی سرمایه‌ای را حداکثر بکند و علاوه بر این می‌توان گفت که عایدی سرمایه به شکل گسترده‌ای به دهک بالای جامعه میل می‌کند. با توجه به تحقیق صورت گرفته در آمریکا عایدی سرمایه بیش از دیگر انواع درآمد، در یک بخش خاص از جامعه متمرکز است. افراد حاضر در نیم درصد بالای درآمدی، ۵۴ درصد از کل عایدی سرمایه را دریافت می‌کنند در حالی که سهم آن‌ها از کل درآمد حدود ۸ درصد است. همچنین این آمار نشان می‌دهد که ۲ درصد بالای جامعه آمریکا ۸ برابر بیشتر

از نظام بانکی است. به طوری که براساس گزارش های بانک مرکزی بیش از ۸۰ درصد تسهیلات بانکی طی ۳۵ سال اخیر به دو دهک ثروتمند اختصاص یافته است. این تمرکز ثروت علاوه بر ایجاد مشکلات حاد اقتصادی و بحران بدهی در نظام بانکی کشور، توزیع درآمد در اقتصاد را نیز دچار شکاف بزرگی ساخته است. از این رو نیاز است تا با استفاده از راهکارهایی برای مدیریت این حجم عظیم از سرمایه، جلوی اثرات تخریبی آن در اقتصاد گرفته شود.

شاید بتوان از یک نماگر دیگر در اقتصاد ایران برای مشاهده این جریان حاکمیت سرمایه در کشور استفاده نمود. نماگر «درآمد ناشی از غیر کار» که نشان دهنده درآمد کسانی است که بدون اشتغال به کار از محل درآمدهای مستمری که دارند زندگی می کنند. درآمد بازنشستگان و وظیفه بگیران و درآمد از محل اجاره املاک، سهام دولتی، اوراق مشارکت، سپرده بلندمدت و...، ذیل «درآمد ناشی از غیر کار» محسوب می شوند، با اینکه این نماگر شامل درآمد مستمری بازنشستگان و وظیفه بگیران نیز می شود که متفاوت از درآمد سرمایه است اما بخش قابل توجهی از این نماگر نیز مرتبط با درآمدزایی اشکال مختلف سرمایه است. از این رو این نماگر نزدیک ترین تصویر از جریان درآمد زایی سرمایه و ارتزاق از محل عایدی سرمایه را نشان می دهد.

در طول یک دهه گذشته درآمد از غیر محل کار در دو دهک بالای درآمدی اگرچه نوساناتی را تجربه نموده است اما مسیر رووند کلی آن رو به افزایش بوده است. دو دهک بالای درآمدی در سال ۱۳۹۵ بیشتر از ۶۰ درصد از درآمد خود را غیر از محل کار کسب کرده که نشان دهنده وزن زیاد درآمد زایی سرمایه در اقتصاد ایران است؛ باید توجه داشت که با توجه به ساختار مالیاتی و تفوق سرمایه مالی در کشور، بیشتر این درآمدزایی از راه سود سپرده های بلندمدت بانکی است که مشمول هیچ گونه مالیاتی نیز نمی شود!

Contributions to Increasing Inequality 1991-2006, Percentage

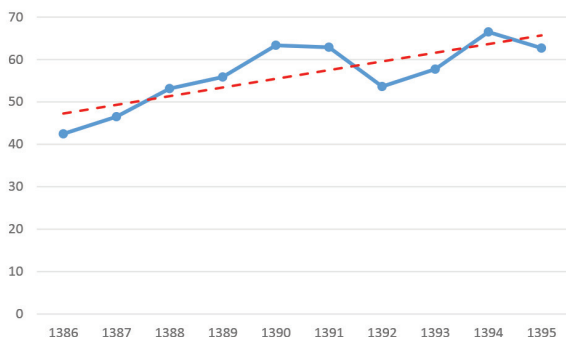


نمودار ۱- سهم عوامل مختلف در افزایش نابرابری در طول سال های ۱۹۹۱ الی ۲۰۰۶ - منبع:

Institute on Taxation and Economic Policy (ITEP)

اگرچه اطلاعات دقیقی در مورد میزان عایدی سرمایه در اقتصاد ایران وجود ندارد اما با کنار هم گذاشتن داده های اقتصاد ایران می توان کم و بیش مشاهده نمود که عایدی سرمایه در اقتصاد ایران نیز در طبقات ثروتمند جامعه متمرکز شده است. نظام بانکی در سال ۱۳۹۶ بیش از ۲۸۰ هزار میلیارد تومان سود بین سپرده های بانکی توزیع کرده که معادل ۱۹ درصد کل نقدینگی موجود در کشور است و از طرفی دیگر ۸۵ درصد سپرده های بانکی در کشور تنها در اختیار ۲,۵ درصد جامعه است. اگرچه تمام این ۲,۵ درصد، سپرده گذاران حقیقی نیستند و شامل شرکت ها و مؤسسات بزرگ اقتصادی نیز می شود اما این تمرکز شدید سپرده های بانکی خود نشان از شکاف عظیم بین طبقات جامعه در سرمایه مالی است. همچنین باید توجه داشت که خود این نوع سپرده ها منبع رانت مضاعفی برای اخذ وام های کلان

با کنار هم گذاشتن داده های اقتصاد ایران می توان کم و بیش مشاهده نمود که عایدی سرمایه در اقتصاد ایران نیز در طبقات ثروتمند جامعه متمرکز شده است.



نمودار ۲- درآمد ناشی از غیر کار در دو دهک بالای درآمدی

اگر عایدی سرمایه معاف از پرداخت مالیات باشد، فعالین اقتصادی به سمت تبدیل درآمد و سود خود به عایدی سرمایه حرکت خواهند نمود. کشورهایمانند استرالیا، کانادا، دانمارک، فنلاند، ایرلند، ایتالیا، نروژ، جمهوری اسلواکی، اسپانیا، سوئد، ایالات متحده آمریکا و انگلیس با وضع مالیات بر عایدی سرمایه از رفتن درآمدهای معمولی (مانند دستمزد و حقوق) به بخش های معاف از مالیات جلوگیری کرده اند. در سال ۲۰۰۹ در آمریکا، ۱۴۰۰ میلیونره به این دلیل که درآمد آن ها از عایدی سرمایه است، حتی یک پنی مالیات بر درآمد نپرداخته بودند!

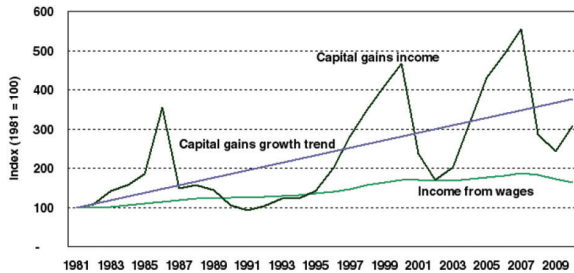
اکثر کشورهایی که به سمت وضع مالیات بر عایدی سرمایه رفته اند، دلیل اصلی این مالیات را حصول به برابری عمودی و افقی [۲] دانسته اند. می توان نشان داد با فرض اینکه ۲ خانوار دارای مقدار درآمد و مخارج مشابه باشند، مالیات این دو خانوار که یکی درآمد خود را از راه دستمزد و حقوق به دست می آورد و خانوار دوم از راه عایدی سرمایه ای پس انداز، درآمد کسب می کند، متفاوت خواهد بود. این نکته باعث کاهش برابری افقی

این نوع درآمدزایی سرمایه در طول یک دهه گذشته، به عنوان یکی از محورهای ایجاد نابرابری اقتصادی و همچنین بستری برای انحراف انگیزه های صحیح اقتصادی به سمت سفته بازی و بحران اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. بعد از وقوع بحران مالی در سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ تعداد زیادی از اقتصاددانان، دولت ها و سازمان های مردم نهاد در سطح جهان خواستار اجرای مالیات بر معاملات مالی شدند؛ در نتیجه اشکال جدیدی از این نوع مالیات بر معاملات مالی چه در سطح ملی و بین المللی ارائه شد که از آن جمله می توان به مالیات بر عایدی سرمایه اشاره کرد. در اکثر کشورهای جهان برای کنترل انگیزه هایی که به دنبال افزایش قیمت و کسب سود به جای سرمایه گذاری بلندمدت در تولید هستند، مالیات بر عایدی سرمایه وضع می شود.

وضع مالیات بر عایدی سرمایه در بسیاری از کشورهای جهان برای کاهش نابرابری اقتصادی و همچنین به عنوان ابزاری برای کاهش سفته بازی اقتصادی و عدم ایجاد حباب های مالی و اقتصادی و به تبع بحران های اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. این نوع مالیات با وضع بر روی دارایی هایی که با خرید و فروش آن ها با قصد انتفاع صورت می گیرد، جلوی سفته بازی و رونق بخش غیرمولد اقتصاد را می گیرد.

اگر عایدی سرمایه معاف از پرداخت مالیات باشد، فعالین اقتصادی به سمت تبدیل درآمد و سود خود به عایدی سرمایه حرکت خواهند نمود.

Trends in Inflation-Adjusted Wage and Capital Gains Income, 1981-2010



نمودار ۳- روند درآمد و عایدی سرمایه تعدیل شده در آمریکا ۱۹۸۱-۲۰۱۰ - منبع: IETP analysis of Congressional Budget Office data

معمولاً هنگامی که از مالیات بر عایدی سرمایه در ایران صحبت می‌شود، به عنوان ابزاری تنظیم‌گر در بازار مستغلات مورد توجه قرار می‌گیرد که مانع ایجاد سفته‌بازی در بازار مسکن بوده و کنترل حباب قیمت و اجاره را بر عهده دارد؛ حال آنکه بخش عمده دانش انباشته در مورد اثرات مالیات بر عایدی سرمایه در نقل و انتقالات مربوط به بازارهای مالی بوده است. وضع این نوع مالیات در بازارهای مالی ایران مزایایی به همراه خواهد داشت. از جمله با توجه به اینکه بسیاری از مبادلات دارای انگیزه‌های سفته‌بازانه هستند باعث تشخیص پس‌اندازکننده از سفته‌باز می‌شود. همچنین فعالیت‌های سفته‌بازانه موجب بی‌ثباتی مالی و یا اقتصادی می‌شوند و این بی‌ثباتی‌ها و بحران‌ها باعث ثروتمندتر شدن افراد دارای اطلاعات نهانی و سفته‌بازان می‌شود؛ درحالی‌که هزینه‌های آن به عموم جامعه تحمیل می‌شود. لذا این نوع مالیات می‌تواند علاوه بر داشتن مؤلفه‌های کارایی در فضای اقتصادی به افزایش برابری افقی و عمودی نیز در جامعه کمک نماید.

خواهد شد درحالی‌که مطابق با برابری افقی هرکس باید متناسب با قدرت پرداخت مالیات خود مالیات بپردازد. روند صعودی عایدی سرمایه و دستمزد در اقتصاد آمریکا در نمودار ۳ به خوبی این شکاف به وجود آمده را نشان می‌دهد؛ که اگرچه عایدی سرمایه رفتاری نوسانی دارد ولی نرخ افزایش آن در بلندمدت به مراتب بیشتر از افزایش دستمزد است. کشورهای مختلف از طریق سیستم مالیاتی متمرکز که دارای نرخ اندک مالیات، پایه‌های مالیاتی گسترده و معافیت‌ها و تخفیفات مشخص (دوره معافیت یک ساله) است، در این مسیر گام برداشته‌اند.

در نتیجه کاهش و یا حذف مالیات بر عایدی سرمایه قطعاً مزایای بسیار زیادی برای ثروتمندان و یا به بیانی دیگر صاحبان سرمایه به ارمغان خواهد آورد. درحالی‌که منفعت چندانی برای بقیه مالیات‌دهندگان نخواهد داشت. برای مثال، کاهش مالیات بر عایدی سرمایه و سود سهام برای یک درصد بالای درآمدی در آمریکا به طور میانگین ۳۵۶۷۵۰ دلار سود خواهد داشت درحالی‌که برای خانوارهای دهک میانه در حدود ۲۳ دلار سود خواهد داشت. لذا می‌توان گفت که بیشترین سهم از عدم استفاده از اهرم مالیات بر عایدی سرمایه، نصیب مالیات‌دهندگان ثروتمند می‌شود.

پی‌نوشت

- [۱]. عایدی سرمایه ترجمه عبارت انگلیسی (capital gains) است.
- [۲]. برابری افقی به معنای «برخورد برابر با افراد دارای موقعیت‌های برابر» است. برابری عمودی نیز به معنای «برخورد نابرابر، اما متناسب، با افراد دارای موقعیت‌های نابرابر» است.